



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه جامعه شناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد M.Sc

رشته

پژوهش علوم اجتماعی

عنوان:

عوامل موثر بر تضاد والدین و فرزندان در بین نوجوانان ۱۹-۱۵ساله

شهرستان بوکان

استاد راهنما:

دکتر مصطفی اجتهادی

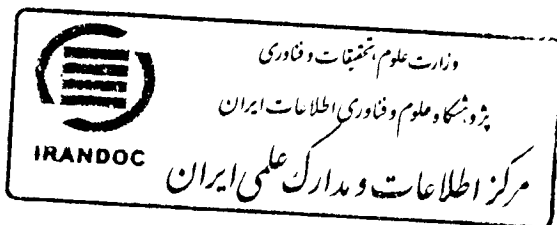
استاد مشاور:

دکتر محسن طالب زاده

نگارنده:

کامران مام ابراهیمی

نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۹ □ ۸۸ □ ۸



۱۴۹۵۷۴

۱۹/۱۰/۸۹

بسمه تعالی

آقای کامران امام ابراهیمی

در تاریخ ۲۳/۶/۸۹ از پایان نامه

کارشناسی ارشد خورد، تحت عنوان:

"عوامل موثر بر تغذیه والدین و فرزندان

در بین کودکان ۱۹-۱۵ ساله" دفاع

کردند. این پایان نامه، با شماره ۱۷/۵ (هشدهم)

نیم فته شد.

امینا

۸۹/۷/۷

چکیده

تضاد را به طور کلی می توان مبارزه ای بر سر ارزش ها و منابع کمیاب جامعه دانست. تضاد خانوادگی بر خلاف دیگر تضاد ها که در سطح کلان و بر سر منابع ارزشمند جامعه رخ می دهد، در سطح خرد و بر سر ارزش های غیر مادی (همچون) باورها و اعتقادات روی می دهد و تفاوت بر سر همین باورها است که سبب تقابل دیدگاه های والدین و فرزندان می شود و به مرور زمان مانعی عمده در تحقق کارکردهای خانواده (جامعه پذیری فرزندان) به حساب می آید.

با مرور ادبیات تحقیق و مصاحبه های عمیق از نوجوانان شهرستان بوکان نقش سه عامل الگوهای ارتباطی خانواده، همسالان و رسانه مورد توجه قرار گرفت، دلیل تمرکز ما روی الگوهای ارتباطی در خانواده این بود که نحوه تعاملات در خانواده می تواند به عنوان یک سرمشق دیگر رفتاری نوجوان را در عرصه های دیگر زندگی تعیین کند.

پژوهش حاضر که به روش پیمایش در بین ۲۰۰ نفر از نوجوانان ۱۵-۱۹ ساله شهرستان بوکان صورت گرفت، یافته ها نشان می دهد که نحوه تعاملات در خانواده اگر منطبق بر نیازهای جسمی و روحی نوجوان باشد، سبب می گردد اقتدار والدین در نظر فرزند مشروع و همین فرایند جامعه پذیری یعنی انتقال باورها و رفتارهای والدین به فرزندان را تسهیل می کند، حتی وقتی که نوجوان وارد دنیای خارج از خانواده می شود (همسالان و رسانه) الگوهای ذهنی و رفتاری را انتخاب می کند که بیشترین شباهت را با الگوهای والدینشان داشته باشد. بنابراین تاثیر پذیری آنها در مقابل کثرت الگوهای ذهنی و رفتاری خارج از خانواده کاهش می یابد و به طبع همان رفتارهای خانواده با مقداری تفاوت بازتولید می شوند.

واژگان کلیدی: تضاد والدین و فرزندان، الگوهای ارتباطی خانواده، سواد رسانه ای، همسالان، دوره نوجوانی

فهرست مطالب

۲.....	کلیات تحقیق.....	-۱
۲.....	مقدمه.....	-۱-۱
۵.....	بیان مسئله.....	-۲-۱
۷.....	اهمیت و ضرورت مسئله.....	-۳-۱
۸.....	سئوالات تحقیق.....	-۴-۱
۹.....	اهداف تحقیق:.....	-۵-۱
۹.....	فرضیات:.....	-۶-۱
۱۱.....	ادبیات و چارچوب نظری تحقیق.....	-۲
۱۱.....	پیشینه ی تحقیق: نقش خانواده.....	-۱-۲
۱۳.....	پیشینه تحقیق: نقش همسالان.....	-۲-۲
۱۵.....	پیشینه تحقیق: نقش رسانه.....	-۳-۲
۱۸.....	پیشینه تحقیق، تضاد خانوادگی:.....	-۴-۲
۲۰.....	پیشینه تحقیق: پیامد های تضاد در خانواده.....	-۵-۲
۲۱.....	مقدمه بحث نظری:.....	-۶-۲
۲۲.....	تعریف تضاد خانوادگی (FAMILY CONFLICT).....	-۷-۲
۲۴.....	تضاد (بعد ذهنی).....	-۱-۷-۲
۲۹.....	تضاد (بعد رفتاری).....	-۸-۲
۳۰.....	تعریف ارتباط.....	-۹-۲
۳۳.....	ارتباط موثر در خانواده:.....	-۱-۹-۲
۳۴.....	ریشه های الگوهای ارتباطی در خانواده.....	-۲-۹-۲
۳۴.....	فرایندهای هم راهبردی The process of coorientational.....	-۱-۲-۹-۲
۳۵.....	هم راهبردی و سهم شدن در واقعیت اجتماعی Coorientation and share social Reality.....	-۲-۲-۹-۲
۳۶.....	راهبرد گفتگوي «Conversation orientation».....	-۳-۲-۹-۲
۳۷.....	راهبرد همناوایی «Conformity orientation».....	-۴-۲-۹-۲

- ۳۷..... خانواه مشورتی «Consensual families»
- ۳۸..... خانواده های کثرت گرا «Pluralistic Families»
- ۳۸..... خانواده های حمایت گرا «Protetive Families»
- ۳۹..... خانواده های بی قید و بند «Laissez- faire families»
- ۴۰..... ۲-۹-۲-۵ باورهای زنشویی و تأثیر آن بر الگوهای ارتباطی خانواده
- ۴۱..... ۲-۹-۲-۶ تأثیر فرزندان روی الگوهای ارتباطی خانواده
- ۴۲..... ۲-۹-۳ شیوه های والدینی (Parenting Styles)
- ۴۳..... ۲-۹-۳-۱ سبکهای تربیتی دانیل باورمریند Diane Baumrind
- ۴۴..... ۲-۹-۳-۲ الگوهای ارتباطی خانواده و سبک های تربیتی
- ۴۵..... ۳-۳-۹-۲ انواع سبک های تربیتی در ایران
- ۴۷..... ۲-۹-۴ نظریه خانواده درمانی «Family Therapy»
- ۴۸..... ۲-۹-۵ تضاد والدین و ناسازگاری فرزندان
- ۵۰..... ۶-۹-۲-۶ همسالان
- ۵۱..... ۶-۹-۲-۱ نظریه شناختی اجتماعی بندورا
- ۵۲..... عناصر تشکیل دهنده نظریه و باورهای بنیادین
- ۵۴..... تبیین بندورا از تغییرات یاد شده مبتنی بر علیت متقابل سه وجهی triadic reciprocal determinism
- ۵۵..... ۷-۹-۲-۷ نظریه دلبستگی (attachment)
- ۵۷..... ۲-۹-۷-۱ همسالان بعنوان چهره های دلبستگی:
- ۵۸..... ۲-۹-۷-۲ نقش همسالان در سازگاری
- ۵۹..... ۲-۹-۸ نظریه پیازه
- ۵۹..... ۱-۸-۹-۲ دوره های کلی رشد از نظر پیازه
- ۶۱..... ۹-۹-۲ نظریه آنا فروید
- ۶۲..... ۱۰-۹-۲ نظریه اریکسون
- ۶۳..... ۱۱-۹-۲ نظریه گلاسر
- ۶۵..... ۲-۱۰-۲ خرده فرهنگ نوجوانان
- ۶۷..... ۱-۱۰-۲ نظریه های خرده فرهنگی
- ۶۷..... ۱-۱۰-۲-۱-۱-۱ کوهن: پسران بز هکار
- ۶۸..... ۲-۱۰-۲-۲-۱-۱ میلر: فرهنگ طبقه پایین
- ۶۹..... ۳-۱۰-۲-۱-۱ کلوار دواهلین: فرصت تبعیض آمیز differential opportunity
- ۷۰..... ۴-۱۰-۲-۱-۱ ماتزا: نظریه خنثی سازی Neutralization Theory
- ۷۲..... ۱۱-۲ نظریه های یادگیری اجتماعی

- ۷۲..... ۱-۱۱-۲-ساندراند و نظریه پیوند اقتراقی
- ۷۳..... 2-11-2-مهرشی و پیوند اجتماعی
- ۷۶..... ۱۲-۲- رسانه :
- ۷۸..... ۱-۱۲-۲-سواد رسانه ای:
- ۷۹..... ۱-۱۲-۲-هدف سواد رسانه ای :
- ۸۰..... ۲-۱۲-۲-ابعاد سواد رسانه‌های
- ۸۳..... ۳-۱۲-۲-بعد انتخابی :
- ۸۴..... ۱۳-۲-"مهارتهای زندگی" LIFE SKILLS
- ۸۸..... ۱۴-۲- مدل S-R (محرک - پاسخ)
- ۸۹..... ۱۵-۲-دیدگاه تحلیل کارکردی در ارتباط با تأثیر رسانه :
- ۹۲..... ۱۶-۲- پیامدها

۹۷..... مدل تحلیلی تحقیق

۹۸..... ۳-روش تحقیق

- ۹۸..... 1-3-روش تحقیق و معرفی کلی وسایل اندازه‌گیری
- ۹۸..... ۲-۲-نحوه سنجش متغیرها
- ۹۸..... ۳-۲-۱-متغیر وابسته
- ۱۰۰..... ۳-۲-۱-تضاد بعد رفتاری
- ۱۰۱..... ۳-۲-۲-اقتدار مشروع
- ۱۰۲..... ۳-۲-۳-اعمال والدینی
- ۱۰۳..... ۳-۲-۴-دل‌بستگی به همسالان
- ۱۰۳..... ۳-۲-۵-همسالان هماهنگ با خانواده
- ۱۰۴..... ۳-۲-۶-شدت رابطه با همسالان
- ۱۰۴..... ۳-۲-۷-انگیزه یادگیری
- ۱۰۵..... ۳-۲-۸-پیامدها
- ۱۰۵..... ۳-۲-۹-سواد رسانه ای
- ۱۰۶..... ۳-۳-جامعه آماری
- ۱۰۶..... ۳-۴-نمونه گیری آماری و روش نمونه‌گیری:

۱۰۶.....	تعیین حجم نمونه:	۵-۳
۱۰۷.....	شیوه نمونه‌گیری	۶-۳
۱۰۸.....	واحد تحلیل	۷-۳
۱۰۸.....	سطح تحلیل	۸-۳
۱۰۸.....	انتخاب پرسشگران	۹-۳
۱۰۹.....	کد گذاری و استخراج داده ها	۱۰-۳
۱۰۹.....	نوع تحقیق	۱۱-۳
۱۰۹.....	ابزار تحقیق	۱۲-۳
۱۰۹.....	آزمونهای مقدماتی و رفع اشکالات ابزار سنجش:	۱۳-۳
۱۱۰.....	اعتبار	۱۴-۳
۱۱۲.....	زمان بندی کار	۱۵-۳
۱۱۴.....	نتایج و یافته های تحقیق	۴-
۱۱۴.....	۱-۴-آماره های تک متغری	
۱۱۴.....	۱-۱-۴-متغیرهای زمینه ای	
۱۲۱.....	۲-۴-تحلیل های دو متغری	
۱۲۱.....	۱-۲-۴-روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و تضاد والد - فرزند ؛	
۱۲۴.....	۲-۲-۴-روابط بین متغیرهای زمینه ای و متغیرهای اساسی تحقیق ؛	
۱۲۵.....	۳-۴-تحلیل های چند متغری ؛	
۱۲۵.....	۱-۳-۴-تحلیل رگرسیون ؛	
۱۳۱.....	۲-۳-۴-تحلیل مسیر	
۱۳۸.....	۵-نتیجه گیری و پیشنهادات	
۱۳۸.....	۱-۵-نتایج تحقیق	
۱۴۴.....	۲-۵-پیشنهادهای تحقیق	
۱۴۴.....	۱-۲-۵-پیشنهادهای اجرایی	

۳-۵- پیشنهادهای پژوهشی..... ۱۴۹

۶- جداول پیوست ۱۵۷

فهرست جداول :

جدول ۱-۲	طبقه بندی روکیچ از ارزشها	۲۶
جدول ۲-۲	گونه های انگیزشی ارزشها؛ شوارتز	۲۸
جدول ۳-۲	کنش ارزشی	Error! Bookmark not defined.
جدول ۴-۲	بعد رفتاری تضاد	۲۹
جدول ۵-۲	انواع الگوهای ارتباطی خانواده	۳۹
جدول ۶-۲	معناسازی سواد رسانه ای	۸۱
جدول ۷-۲	عناصر کلیدی سواد رسانه ای	۸۲
جدول ۸-۲	مهارتهای زندگی دوره ی نوجوانی	۸۶
جدول ۱-۳	جمعیت مناطق بوکان و سهم پرسشنامه‌ای	۱۰۸
جدول ۲-۳	نمودار میزان آلفای کرونباخ مربوط به هر متغیر	۱۱۰
جدول ۱-۴	توزیع فراوانی افراد نمونه برحسب سن	۱۱۴
جدول ۲-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب درآمد به هزار تومان	۱۱۵
جدول ۳-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تعداداعضای خانواده	۱۱۵
جدول ۴-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب معدل تحصیلی	۱۱۶
جدول ۵-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تحصیلات پدر	۱۱۶
جدول ۶-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شغل پدر	۱۱۷
جدول ۷-۴	توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نوع برنامه هایی که تماشا می کنند	۱۱۸
جدول ۸-۴	توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و وابسته	۱۲۰
جدول ۹-۴	رگرسیون چند متغیره روی بعد ذهنی تضاد	۱۲۶
جدول ۱۰-۴	نتایج رگرسیون اثر متغیرهای مستقل بر متغیر تضاد به روش stepwise	۱۲۷
جدول ۱۱-۴	رگرسیون متغیرهای مستقل با پیامدها به روش stepwise	۱۲۸
جدول ۱۲-۴	بررسی رابطه رفتاری تضاد و سواد رسانه‌ای با کنترل متغیرهای همسالان و خانواده	۱۲۸
جدول ۱۳-۴	بررسی گرایش به رسانه‌های خارجی به روش stepwise	۱۲۹
جدول ۱۴-۴	بررسی ضریب همبستگی انگیزه یادگیری بر روی متغیرهای مستقل	۱۳۰
جدول ۱۵-۴	نتایج رگرسیون اثر متغیرهای مستقل بر انگیزه یادگیری در همسالان	۱۳۱
جدول ۱۶-۴	دیاگرام خانواده	۱۳۴
جدول ۱۷-۴	دیاگرام همسالان	۱۳۴
جدول ۱۸-۴	دیاگرام رسانه	۱۳۵
جدول ۱۹-۴	همبستگی جزئی سواد رسانه‌ای و تضاد	۱۳۶
جدول ۲۰-۵	رگرسیون چند متغیر به روش گام به گام روی تضاد	۱۴۳

فهرست اشکال :

- شکل ۱-۲ تضاد زناشویی و ناسازگاری فرزندان ۵۰
- شکل ۲-۲ الگوی کلی متغیر خانواده و تضاد فرزندان ۵۰
- شکل ۳-۲ علیت سه وجهی بندورا ۵۵
- شکل ۴-۲ مدلی تحلیلی برای متغیر همسالان در مورد چگونگی ارتباط با تضاد والدین و فرزندان ... ۷۵
- شکل ۵-۲ فرایند جذب کودک به رفتار و هنجارهای والدین: به نقل از توسلی، اسمیت و مک کی ... ۹۰
- شکل ۶-۲ مدل تحلیلی کلی از رسانه ۹۱
- شکل ۷-۲ مراحل تحقیق در مسایل اجتماعی ۹۳
- شکل ۸-۲ مدل کلی تضاد والدین و فرزندان **Error! Bookmark not defined.**
- شکل ۱-۴ دیاگرامی مسیر اثر متغیر خانواده بر تضاد رفتاری ۱۳۲
- شکل ۲-۴ دیاگرام مسیر اثر متغیر همسالان روی تضاد در بعد رفتاری ۱۳۳
- شکل ۳-۴ دیاگرام مسیر اثر متغیر رسانه روی تضاد و پیامدها ۱۳۳

فصل اول

کلیات تحقیق

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال زیربنایی ترین عنصر هر جامعه ای است که از دیرباز مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است. داشتن جامعه ای سالم منوط است به وجود خانواده‌هایی که در آن روابط درونی خانواده، بخصوص بین والدین و فرزندان از استحکام شایسته ای برخوردار باشد. (اسپاک، ۱۳۷۵: ۱۵).

در جوامع گذشته خانواده بعنوان یک واحد تولیدی دارای کارکردها و همچنین فعالیت های مشترک فراوانی در میان اعضای خود بود. همین امر به نوبه خود علایق و باورهای مشترک فراوانی را بین والدین و فرزندان ایجاد می کرد، که سبب می شد اختلاف نظرها و تضادها بین آنها به حداقل برسد.

در این جوامع گذر از نوجوانی به دنیای بزرگسالی در کوتاه ترین زمان ممکن صورت می گرفت. اما با رشد و گسترش شهرنشینی و بسط روابط حاصل از آن اولاً خانواده ها از صورت گسترده به شکل هسته‌ای درآمدند، یعنی خانواده به پدر، مادر و فرزندان محدود شد و در مواردی حتی خانواده‌های تک والدینی «single parent» بوجود آمده اند.

ثانیاً کارکردهای خانواده مانند آموزش، اشتغال، تولید و ... یکی بعد از دیگری از خانواده جدا و به نهادهای چون دانشگاهها و مدارس، بنگاههای اقتصادی و ادارات کاربایی واگذار گردید. در نتیجه این امر بیشتر جهت‌گیریهای اعضای خانواده به بیرون از آن معطوف شد و خانواده به خانه‌هایی با اتاقهای خصوصی برای استراحت و رفع خستگی حاصل از کارهای بیرون از منزل تبدیل شد.

ثالثاً مشغله‌های زیاد زندگی حاصل از بسط روابط شهری امکان ارتباط والدین با فرزندان را کاهش داد. به تبع آن و به مرور زمان فاصله اجتماعی بین آنها افزایش یافت.

رابعاً عامل دیگری که با رشد شهرنشینی بوجود آمد فردگرایی «individualism» و گسترش آن در این جوامع بوده است، این بدان معنا است که هر فرد با توجه به ویژگیهای جسمانی و روانی خودش، به فضاهای خاصی گرایش پیدا می کند و در آن فضاها به تجربه اندوزی می پردازد، که این امر سبب تفاوت در ذهنیت وی می گردد و در نتیجه تفاهم و علایق مشترک او و دیگران را به حداقل می‌رساند.

خامساً در جوامع شهری فاصله زمانی که بین بلوغ جنسی و اشتغال فرد (وارد شدن به بازارکار) پدید آمده، باعث شده است که دوران گذار از نوجوانی به بزرگسالی بسیار طولانی شود.

به عبارت دیگر با رشد شهرنشینی و تاخیر در ورود به دنیای بزرگسالی برای نوجوانان که از مقتضیات دنیای مدرن (زندگی شهری) است، سبب شده فرزندان در خانواده احساس استقلال کنند ولی امکان جدا شدن از خانواده برایشان فراهم نباشد. هر چند در وهله اول بنظر می آید که رشد

شهرنشینی و بسط روابط حاصل از آن سبب کاهش ارتباطات در خانواده بخصوص میان والدین و فرزندان شده و این امر فاصله ای اجتماعی را بین آنها بوجود آورده که علایق و باورهای مشترک میان آنان را تضعیف نموده و سبب بروز تضاد میان والدین و فرزندان شده است.

اما در شهرستان مورد مطالعه (بوکان) اولاً شهرنشینی و روابط حاصل از آن به شدت کلانشهرها و شهرهای بزرگ نیست و در ثانی به کلانشهرها و شهرهای بزرگ هم نزدیک نیست که ناهمگونی و توسعه زیاد این کلانشهرها بر او تاثیرگذار باشد.

ثانیادیدگر خانواده را نمی توان با همان ساختارها و ویژگیهای جوامع گذشته مورد بررسی قرار داد و گفت که چون این ساختارها جوابگوی نیازهای عاطفی و مادی فرزندان بوده اند، بنابراین نبود آن ساختارها در دوران جدید سبب بوجود آمدن مسایل و مشکلاتی برای خانواده ها و روابط درونی آنها شده اند.

بلکه باید با توجه به ویژگیها و ساختارهای جدید جامعه و خانواده به علت یابی مشکلات دورن خانواده و ارائه راهکار بپردازیم.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و با مطالعه منابع و مصاحبه های عمیق از نوجوانان به این نتیجه رسیدیم که رشد شهرنشینی و بسط روابط حاصل از آن (فردگرایی، گسترش خانواده های هسته‌ای، کاهش ارتباطات در خانواده به دلیل مشغله های زندگی، تاخیر در ورود به دنیای بزرگسالی) سبب بوجود آمدن یک فاصله اجتماعی اولیه بین والدین و فرزندان می شود، در مرحله بعدی فرزندان در جهت پرکردن خلاء بوجود آمده و با توجه به ویژگیهای جسمانی و روانی خود، به فضاهایی همچون خرده فرهنگ همسالان و رسانه کشیده می شوند.

همسالان محیطی را برای نوجوانان بوجود می آورند که در آن فضا احساس استقلال و کسب هویت جداگانه ای از خانواده به دست می آورند. به مرور زمان و با توجه به ویژگیهای روانی خودشان یک خرده فرهنگ بوجود می آورند، خرده فرهنگی که پایه و اساس ارزشهای آن ناشی از بلوغ و پیامدهای روانی و مهمتر از آن ذهنیتهای مشابه حاصل از آن می باشد، که شامل؛ استقلال طلبی از والدین، کسب ارزشمندی و لیاقت، احساس احترام به خود و دیگر همسالان، بی توجهی به ارزشهای دنیای بزرگسالان و ... می باشد.

در مرحله دیگر نوجوانان با گرایش به فضاهای رسانه‌ای همچون ماهواره، اینترنت، محیط های چت و غیره... با جوامع و فرهنگهایی از دیگر نقاط جهان و از سوی کسانی که فرد پیش از این هیچگونه تشابه و شناختی نسبت به آنها نداشته است، ارتباط برقرار می نماید. این ارتباط سبب انتقال باورها و ارزشهای این جوامع و فرهنگها می شود.

این ارزشهای متفاوت، ناهمخوان و حتی متضاد با ارزشهای جامعه ای است که نوجوان در آن زندگی می کند، اما چون این ارزشها ناهمخوان و متضاد با ارزشهای جامعه بزرگسالان بخصوص والدین است، و خرده فرهنگ همسالان هم داعیه آن را دارد که از والدین خود جدا شود و استقلال و هویت جداگانه‌ای را برای خود بدست آورد، بنابراین این ارزشهای منتقل شده به فرد نوجوان (از طریق

رسانه) نه تنها در خرده فرهنگ همسالان رد نمی شود بلکه با ارزشهای خرده فرهنگ- همسالان ترکیب شده و با گرفتن عناصر جدیدی از خرده فرهنگ مذکور در شکل جدیدی بازتولید می شود. همین انتقال ارزشهای متضاد به فرزندان در خانواده سبب می گردد فاصله اجتماعی- اولیه بوجود آمده مابین والدین و فرزندان که ناشی از کاهش ارتباطات در خانواده می باشد دوچندان شود. که به تبع آن فرصت و گرایش بیشتری برای جذب شدن نوجوانان به خرده فرهنگ همسالان و رسانه می شود و این امر به صورت یک سیکل معیوب همچنان ادامه پیدا می کند، تا حدی که فرزندان در خانواده به بیگانگانی تبدیل می شوند، که حضور آنها در خانواده صرفاً بخاطر نیاز و احتیاجی است که به والدین خود دارند، در نتیجه بین فرزندان و والدین روابطی ایزاری شکل می گیرد.

تلاش والدین برای نهادینه سازی ارزشها و باورهای جامعه به فرزندان به دلیل تجربه اندوزی و جامعه پذیری هر یک در فضاهای خاص که حامل ارزشهای متفاوت و بعضاً متضادی است سبب پیدایش بحث و گفتگوی می گردد که نه تنها به تفاهم منجر نمی شود، بلکه سبب مشاجره ای بی پایان بین والدین و فرزندان می شود.

این امر تبدیل به اختلافات عمیق و دامنه داری می گردد که زندگی مشترک والدین و فرزندان را با چالش جدی مواجهه می سازد، که بعضاً با واکنش های جدی والدین به صورت طرد، اخراج از خانه، قطع پول توجیبی و تنبیه بدنی نمودار می گردد.

این مشاجرات و رفتارهای بوجود آمده ناشی از تضاد ارزشها و باورها سبب می شود خانواده که جایی برای آرامش و استراحت روحی و جسمی ساکنان آن بخصوص فرزندان است به محیطی پرتنش تبدیل شود که نه تنها در آن آرامش یافت نمی شود بلکه ناراحتی فکری و روحی برای فرزندان و والدین بوجود می آورد، این بهم خوردن آرامش فکری و روحی نیز سبب می شود فرزندان نتوانند فرصتی را برای تفکر و اندیشه برای انجام تکالیف مدرسه داشته باشند و بعد از مدتی افت تحصیلی آنها مشهود می گردد. این افت تحصیلی نیز به نوبه خود سبب می گردد اختلاف معلم و مدیران مدرسه با نوجوان بیشتر گردد و مدرسه هم به محیطی ناخوشایند برای آنها تبدیل گردد، که در مواردی به فرار از مدرسه منجر می شود.

بریده شدن نوجوان از خانواده و مدرسه سبب گرایش بیشتر آنها به همسالان و فضاهای رسانه ای می شود و این دو عنصر (همسالان و رسانه) همچنان که در بالا ذکر شد باورها و ارزشهای متضاد با خانواده و مدرسه به نوجوان منتقل می کنند که بعد از مدتی سبب می شود، نوجوانان خرده فرهنگی متضاد با جامعه بزرگسالان بخصوص والدین شکل دهند. که این جدایی بیشتر والدین و فرزندان و در نتیجه تضاد بیشتر آنها را سبب می گردد.

۱-۲- بیان مسئله

تضاد «conflict» را در حالت کلی میتوان مبارزه‌ای بر سر ارزشها و ادعاهای مربوط به پایگاههای کمیاب، قدرت و منابع دانست که در آن هدف هر یک از دو طرف نابودی، آسیب رساندن یا خنثی کردن طرف دیگر است (بیرو، ۱۳۶۶: ۶۲).

انواع مختلفی از تضاد وجود دارد مانند تضاد میان اقوام، تضاد نخبگان با جامعه، ... که یکی از آنها تضاد والدین و فرزندان است. در این نوع تضاد برخلاف دیگر تضادها که بر سر منابع ارزشمند جامعه و در سطح کلان رخ میدهد، در سطح خرد و بر سر ارزشهای غیرمادی روی میدهد و تفاوت در همین ارزشها، سبب تقابل دیدگاههای والدین و فرزندان می‌شود. یعنی اینکه وقتی چیزی برای یک نفر مفهوم رضایت دارد برای دیگری مفهوم رضایت دارد برای دیگری مفهوم نارضایتی را متبادر می‌سازد، این اختلاف نظرها رفته رفته در رفتارها ظاهر می‌گردد و از مشاجرات لفظی تا بیرون کردن فرزندان از منزل، تنبیه بدنی، ... امتداد پیدا می‌کند.

این تضادها در سنین مختلف و با درجات شدت و ضعف مشاهده می‌شود، اما بنظر اکثر محققان و این جانب، رده سنی نوجوانان به دلیل پیامدهای بلوغ و مسائل روانی ناشی از آن، دوره سنی حساس است که در آن این تضادها به اوج خود رسیده و جلوه بیرونی پیدا می‌کند.

در اینجا ابتدا تعریفی از نوجوانی ارائه کرده و بعد نتایج کار برخی از اندیشمندان را برای تبیین تضاد بیان کرده تا اینکه در پایان این جانب از طریق مشاهده‌های صورت گرفته در منطقه و مطالعه منابع مختلف به یک جمع بندی برسیم.

دوره نوجوانی از دوره های بحرانی در زندگی فرد است، نوجوان با گذشتن از مرکز کودکی وارد مرحله جدیدی از زندگی می شود و در این دوره با تغییرات متعدد جسمی، روحی و عاطفی روبرو است (بیابانگرد، ۱۳۷۶: ۴۲).

این تغییرات در برخی نوجوانان با رشد متعادلتری و در برخی دیگر با بحرانهای همراه است. سازگاری نوجوانان با محیط در این دوره با مشکلات بیشتری نسبت به دوره‌های دیگر همراه است، که در مواردی به تعارضهای درونی و بیرونی که زاینده ویژگیهای فردی و محیطی است می‌انجامد.

نتایج کار لمبرون و همکاران (۱۹۸۹) نشان میدهد که بیشترین میزان خود محوری را در خانواده های دموکراتیک و بیشترین میزان بزهکاری را در خانواده های مسامحه کار «laissez-fair» یافته است. مضافاً اینکه آنها دریافتند فرزندان والدین مستبد با اینکه مسایل و مشکلات رفتاری کمی از خود بروز دادند، ولی شایستگی اجتماعی و روانی کمتری داشتند (lomborn,steinberg1991)

نیدرهیزر و رایس به تحقیقات مختلفی اشاره می کنند که تربیت سخت گیرانه (مستبدانه) «Harsh» و روابط تضادآمیز را عامل بیاری از رفتارهای ضداجتماعی فرزندان در آینده می‌داند و در مقابل روابط گرم، صمیمانه و حمایت آمیز را بعنوان عامل پیامدهای مثبت در نوجوانان مورد توجه قرار دادند. (Niederhiser, Reiss; 2002)

فلتچر و همکاران به بررسی شیوه رفتاری والدین و تاثیر آن بر مسایل رفتاری و شایستگیهای روانی نوجوانان پرداختند، آنها تاکید کردند هرچه اقتدار در خانواده بیشتر باشد بزهکاری و رفتارهای غیراخلاقی در مدرسه کمتر خواهد بود (Fletcher, Darling, Steniberg).

تحقیقات بالا نشان می دهد خانواده و رفتارهای داخلی آن در کانون اهمیت قرار دارند حال باید جامعه و شرایط آن را که خانواده تحت تاثیر آنها است مورد بررسی قرار دهیم. بعد از انقلاب اسلامی، سال ۱۳۵۷ و با گسترش شهرنشینی در کشور، منطقه موردنظر (شهرستان بوکان)، به دلیل افزایش مهاجرت، جمعیت شهرنشین آن افزایش پیدا کرد. (برای مطالعه آمار و ارقام به ضمایم رجوع کنید).

به دلیل بسط روابط شهری و مشغله های زیاد والدین کمتر فرصت ارتباط با فرزندان وجود داشت. در ثانی به دلیل فردگرایی هر کدام از آنها به فضاهای که متناسب با ویژگیهای روحی آنها است کشیده شدند، در نتیجه تجربه های ذهنی و فردی خاصی بدست آوردند. از طرفی دیگر به دلیل هسته ای شدن خانواده امکان آن وجود نداشت مثل جوامع گذشته پدربزرگها یا مادربزرگها خلاء والدین را پرکنند و در انتقال ارزشها و علایق موثر باشند. کم کم یک فاصله اجتماعی «social distance» بین آنها ظاهر می شود.

در صورت بروز فاصله اجتماعی در روابط والدین و فرزندان پیوند احساسی فرزندان با والدین تجزیه می شود و افراد دیگری جایگزین آنها می شود.

همچنین کاهش در میزان روابط اجتماعی در خانواده مثل غذا خوردن، مسافرت، مشارکت در مسایل بچه ها و کمک کردن به حل مسایل آنها اولاً باعث کاهش تقویت احساسی با والدین و ثانیاً کاهش میزان پذیرش احساسی و عاطفی والدین سبب کاهش انتقال ارزشها و در نتیجه سبب عدم تفاهم و تضاد می شود.

همچنانکه گفته شد فاصله اجتماعی در روابط والدین و فرزندان یک خلاء بوجود می آورد که با توجه به ویژگیهای روحی و جسمی نوجوانان، جای آن را دوستان و رسانه پر می کنند. بعد از مدتی که از این روند گشت علایق و باورهای مشترک بین آنها خیلی کم می شود و ارتباط فرزند با والدین صرفاً حالت ابزاری «instrumental» پیدا می کنند، مثل دیگر روابط اجتماعی که در جامعه وجود دارد، و به بیگانگی در خانواده تبدیل می شوند.

محقق بارها مشاهده کرده است یا شنیده؛ که اگر شبها فرصت اندکی برای ارتباط بوجود آید بجای یک فضای صمیمی و عاطفی، مشاجره با فرزندان شروع می شود و حتی سبب تنبیه بدنی نوجوان، بیرون انداختن از منزل، قطع پول توجیبی، ... می شود. آنهم در سنی که فرزندان به لحاظ روانی و جسمانی به مرحله بلوغ رسیده و استقلال از خانواده و در نتیجه رد کردن خواست والدین نشانه ای از استقلال به حساب می آید.

پس یک فاصله اجتماعی در بین والدین و فرزندان بوجود آمده و محقق بارها آن را مشاهده کرده است، حال باید دید که این فاصله با فرزندان فقط در اثر بسط روابط شهری مثل افزایش مشغله های

زندگی و کاهش فرصت ارتباط با فرزندان، گسترش خانواده های هسته ای یا فردگرایی بوجود می آید یا عامل دیگری در آن دخیل است.

با آگاهی از این موضوع که منطقه مورد مطالعه به اندازه کلانشهرها و شهرهای بزرگ- روابط شهری در آن گسترش نیافته است، هر چند ممکن است تأثیری اولیه روی تضاد داشته باشد، اما عامل تعیین کننده نیست، پس باید به دنبال عامل دیگری گشت.

بعد از مصاحبه های عمیق با نوجوانان منطقه مربوطه و مرور منابع مختلف به این نتیجه رسیدیم که رسانه در این مورد نقش پررنگی دارد.

یعنی بسط روابط شهری که شامل فردگرایی، گسترش خانواده های هسته ای و فرصت ارتباطی کم والدین و فرزندان است، سبب بوجود آمدن یک خلاء یا فاصله اجتماعی می شود.

نوجوانان با توجه به ویژگیهای روانی و جسمانی که دارند، گرایش به دوستان و رسانه پیدا می کنند تا اوقات فراغت خود را در کنار آنها پرکنند، در مرحله بعدی رسانهها باورها و ارزشهای را به نوجوانان منتقل می کنند، که این ارزشها در خرده فرهنگ همسالان بازتولید می شود و در خانواده به صورت تضاد باورها و ارزشها خود را نمایان می کند. و این تضاد پیوند احساسی و عاطفی والدین و فرزندان را از بین برده و مشاجره و اختلاف نظر را جایگزین آن می نماید و فاصله اجتماعی بین آنها را تشدید می کند. اگر همچنان این تضادها حل نشده باقی بماند و به صورت دایره ای تقویت شود سبب مسایلی چون افت تحصیلی، فرار از خانه، مدرسه، ... می شود.

۱-۳- اهمیت و ضرورت مسئله:

فرایند بلوغ یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد است. استانیالی هال که به پدر روانشناسی بلوغ معروف شده است این مرحله را دوران طوفان و فشار می نامد.

در نظر او نوجوانی با تغییرات بیولوژیکی آغاز می شود. تغییرات بیولوژیکی با افزایش وزن و طول ناگهانی قد همراه است. رشد سریع بدنی در این دوره تحت تاثیر هورمونهای عدد درون ریز مخصوصاً غده هیپوفیز قرار دارد (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۵).

با آغاز بلوغ تفاوتهای اساسی بیولوژیکی در هر دو جنس ظاهر می شود، مانند خروج اسپروماتوزوئید، رویش مو، رشد تارهای صوتی و تغییر صدا از مهمترین عوامل تغییرات جنسی در پسران است. سن دقیقی که پسران به مرحله بلوغ می رسند کاملاً مشخص نشده است ولی میتوان تصور نمود که سن بلوغ جنسی پسران ۱۳ و ۱۴ سالگی است (شورینی، ۱۳۷۷: ۱۵۱).

از ویژگیهای مهم رشد نوجوان در این مرحله سازش یافتن با احساسهای جدیدی است- که در نتیجه دگرگونیهای بدنی پدید آمده است. این احساسات بیشتر حالت برانگیختگی دارد.

پس آرمان بهبود کیفیت زندگی باعث بوجود آمدن مطالعات و بررسی های گوناگون در مورد نوجوانان شده و در نتیجه توجه بیشتری به جنبه های مختلف رشد و نارسایی ها و اختلالات شده است.

مطالعات گوناگون ما را به درک و شناخت بیشتر از نوجوانان در راه فراهم آوردن محیط مناسب رشد ابعاد مختلف شخصیت و بهبود مشکلات و اختلالات آنها رهنمود می سازد.

با توجه به اینکه جمعیت نوجوانان در کشور به حدود ۱۲ درصد کل جمعیت کشور رسیده و این آمار در شهرستان مورد مطالعه (بوکان) به حدود ۱۴ درصد کل جمعیت شهرستان رسیده است. و با عنایت به اینکه در دوره جدید بین بلوغ اقتصادی و اجتماعی بخصوص برای پسران فاصله است، یعنی از لحاظ روانی و جسمانی به مرحله استقلال رسیده‌اند ولی شرایط و امکانات برای آنها فراهم نیست، پس داشتن رابطه‌ای صمیمی و سالم بخصوص با پدر بعنوان مدیر خانواده لازم و ضروری است. در صورت بروز تضاد هم، اگر تضادها در خانواده حل نشوند راه به مسایل چون فرار از مدرسه، خانه، افت تحصیلی، ... می‌برد، و اثرات آن مشکلات در دوره‌های دیگر سنی با شدت بیشتری بر آنها و کل جامعه اثر خواهد گذاشت.

نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد کسانی که در این دوره سنی (نوجوانی) دچار چنین مشکلاتی از قبیل افت تحصیلی، ترک تحصیل، ... شوند، احتمال اینکه در دوره‌هایی دیگر دچار بیکاری، بزهکاری و دیگر آسیب‌های اجتماعی شوند نسبت به نوجوانانی که این دوره را بدون چنین مشکلاتی پشت سر می‌گذارند بیشتر است.

این افراد بعد از مدتی، به افرادی نابهنجار در جامعه تبدیل می‌شوند، که نیرو و هزینه زیادی از جامعه صرف مراقبت و نگهداری و بازپروری از آنها خواهد شد.

پس این رساله با توجه به اینکه ایران کشوری در حال توسعه می‌باشد و همچنین در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن می‌باشد، پرورش نسل نوجوانی که با کمترین بحران این دوران را پشت سر گذاشته و وارد مقاطع دیگر زندگی شوند و مسئولیتهای جامعه را برعهده گیرند، حیاتی است.

۱-۴-سوالات تحقیق

در این تحقیق پس از بررسی اولیه منابع و مطالعات موجود در این زمینه و همچنین مشاهدات و مصاحبه‌های محقق در منطقه موردنظر (شهرستان بوکان) سوالات زیر قابل طرح است:

سوال اصلی:

چه عواملی بر تضاد والدین و فرزندان در بین نوجوانان شهرستان بوکان موثر است؟

سوالات فرعی:

آیا نحوه برخورد والدین با فرزندان سبب افزایش تضاد بین آنها می‌شود؟

آیا ارتباطات با همسالان تضاد بین والدین و فرزندان را افزایش میدهد؟

آیا رسانه‌های جمعی تضاد والدین و فرزندان را افزایش میدهد؟

آیا تضاد والدین و فرزندان پیامدهای بیرونی و آسیب‌زایی اجتماعی مانند افت تحصیلی، فرار از خانه و مدرسه، ... را سبب می‌شود.

۱-۵-اهداف تحقیق:

اهداف کلی:

بررسی اینکه چه عواملی در تضاد والدین و فرزندان در بین نوجوانان بوکان موثر است.

اهداف جزئی:

- بررسی اینکه نحوه رفتار والدین با فرزندان در تضاد نقش دارد.
- بررسی اینکه ارتباطات با همسالان در تضاد والدین و فرزندان نقش دارد.
- بررسی اینکه با کنترل دو متغیر خانواده و همسالان باز هم رسانه در تضاد والدین و فرزندان نقش دارد.
- بررسی اینکه تضاد والدین و فرزندان پیامدهای بیرونی و آسیب‌زایی اجتماعی مانند افت تحصیلی، فرار از خانه، مدرسه، ... را سبب می‌شود.

۱-۶-فرضیات:

- ۱- نحوه برخورد والدین با فرزندان در دوره نوجوانی در کاهش یا افزایش تضاد بین والد- فرزند موثر است.
یعنی هر چه نحوه تعاملات والدین با فرزندان دارای به الگوی ایده آل نزدیکتر باشد در کاهش تضاد موثر است.
- ۲- با افزایش ارتباطات با همسالان تضاد بین والدین و فرزندان را افزایش می‌یابد.
یعنی هرچه ارتباطات با همسالان افزایش یابد تضاد والد و فرزند هم افزایش می‌یابد.
- ۳- رسانه های جمعی تضاد والدین و فرزندان را افزایش میدهد.
یعنی با افزایش تاثیرپذیری از رسانه از سوی فرزندان تضاد والدین و فرزندان افزایش می‌یابد.
تضاد والدین و فرزندان پیامدهای بیرونی و آسیب‌زایی اجتماعی مانند افت تحصیلی، فرار از خانه و مدرسه را سبب میشود.

فصل دوم

ادبیات و چارچوب نظری

تحقیق